

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

ولی احمد نوری

۱۸ می ۲۰۱۶

مکتب جدی بر نوشته های سیستانی

آقای اعظم سیستانی چند روز قبل کاغذی را با محتویات مغرضانه و معترضانه، غیر مؤدبانه و بسیار دور از عفت قلم و معاشرت انسانی، در باره عده ای از نویسندگان دانشمند، صائب نظر، قلم بدست نخبه و وطنپرست، (صفتی که سیستانی فاقد آنست!!) سیاه نموده و در سایت "افغان جرمن آنلاین" نشر و صفحات آن رسانه را مثل همیشه با مهملات خویش آلوده ساخته است. در همین نوشته بی محتوای خویش نام مرا نیز دو مرتبه با قلم ناپاک خود سیاه ساخته و سایت "آریانا افغانستان آنلاین" را هم دو بار، یک سایت "سلطنت طلب" خوانده است.

آقای سیستانی باور کنید من قصد نداشتم وقت گران بهایم را صرف این موضوع بنمایم که جناب شما در طول زندگی تان چه کار ها نبود که نکرده اید!! چه دروغ ها نبود که نگفته اید!! و چه تهمت ها و بهتان ها نبود که به مردمان شریف، نجیب و با وجدان افغانستان نه بسته اید!! اما وقتی دیده در آیی و جسارت شما را دیدم که چگونه دیگران را در "نقطه" و "کامه" مورد انتقاد قرار می دهید ولی خودتان در نقطه و کامه و نوشته و نظر نه، بلکه حتی در عمل، آری در عمل و اقدام و فعل، خویش را (بدون هیچ اجبر) در خدمت سیاه ترین رژیم در تاریخ معاصر افغانستان قرار داده بودید و امروز به خود اجازه می دهید تا بر شخصیت ها و افراد پاک نفس آن سرزمین قضاوت و بی احترامی کنید، این چشم سفیدی افراطی شما مرا به آن واداشت تا به اعمال نامه شما در طی حاکمیت حزب منحوس نیموکرآتیک نگاهی بیاندازم "تا سیاه روی شود هر که در او غش باشد".

در روزنامه انیس ۵ و ۷ میزان ۱۳۵۸ ش – که در آن مقاله ای از قلم شما به نشر رسیده است؛ شما در مقاله مذکور تان در جایی می نویسید که: «... به کانکور زده گان [زدگان] رژیم منفور داودی [داوودی]...» و بعد در جای دیگر همین نوشته تان می نگارید که: «... رهایی هزاران زندانی بلا کشیده زمان ظاهر شاه و داود شاهی...» در جاهایی از نوشته تان از "تحقق آرمان های انقلاب ثور" حرف می زنید و بالاخره مقاله انقلابی تان را با این شعار ها خاتمه می دهید:

به پیش در راه تحقق آرمان های سترگ انقلاب ثور.

به پیش در راه ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد.

مقاله متذکره شما در دو بخش در روزنامه "انیس" چاپ شده است که در پائین نقل عکس برداری شده هر دو بخش را در برابر چشمان خوانندگان می گزارم تا هموطنان گرامی ما توجه فرمایند که من همچو شما به هر کسی اتهام

هوایی وارد نمی‌کنم و برای ادعای خود سند معتبر و تأریخی در اختیار دارم. این مقاله شما حین اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ و عروج ببرک ملعون تتر خود را داد و شما پاداش آن همه چیغ زدن ها و کاسه لیبی های تان را دریافت کردید، زیرا در ازایان همه **"خدمات تان"** به حیث عضو هیأت رئیسه شورای انقلابی (بگفته بعضی منابع آگاه معاون ببرک کارمل) منسوب شدید و به شما لقب پوشالی **"کاندید اکادمیسین"** را اهدا کردند. فراموش نشود این پاداش یک تایتل و رتبه علمی نیست که شما به آن اینقدر می‌نازید، زیرا رتبه علمی بر اساس تلاش های کارهای علمی و پس از تثبیت قابلیت و لیاقت اثر، از طرف استادان ذیصلاح به اشخاص مستحق داده می‌شود، فراموش نشود که حینی که جناب شما در ترکیب هیأت رئیسه شورای انقلابی تشریف داشتید، **(معاونیت ببرک ملعون)** آن هیأت رئیسه و آن شورای انقلابی اسناد و مدارکی را به تصویب رسانیده است که منافع ملی افغانستان و مردم آنرا در پای خوکان ریخته، یعنی به دولت استعمارگر و جهانخوار روس قرار داده و قربانی کرده است، شما در آن شوری به حیث عضو هیأت رئیسه اش قواعد و مقرراتی را ساخته و نافذ کرده اید که نظر به آن هزاران هموطن ما به زندان ها انداخته شده، شکنجه گردیده و دهات، قصبات، قراء و منازل مردم ما ددمنشانه بمباردمان و ویران گردیده و از نقشه کشور نا پدید شده اند؛ صد ها هزار هموطن بی دفاع و مظلوم ما به قتل رسیده و شهید شدند و ملیون های دیگر از لانه و کاشانه شان آواره دیار غیر گردیدند که حالا با افشای هرچه بیشتر اسناد و اوراق آن جریانات غیر بشری خونین از اینجا و آنجا، اسنادی که توسط شما و بقیه اعضای جنایتکار آن شورای مخوف امضاء و نشانی شده است ان شاءالله روزی در رسانه ها به اطلاع مردم ما خواهد رسید. دور نیست، منتظر باشید!!

این را هم از یاد نبرید، شما به رژیم مزدوری کرده اید و همزمان که شما در توصیف و مدح رژیم مصروف بودید و مردم ما را با مطالعه مقالات خائنه و مزورانه تان غافل می‌ساختید، رژیم جنایت کار و وطن فروش شما در شکنجه و تیرباران و کشتارهای جمعی هموطنان بیگناه و افراد شریف و دانشمند کشور ما سرگرم بود.

همان **"شهید محمد داوود"** را که شما جمهوریتش را به نام **"رژیم منفور داودی [داوودی]"** خطاب میکردید حالا سنگ جمهوریت آنرا به سینه میزنید، همان دوازده هزار انسان بیگناه وطن ما را که قاتلان شان را **"به پیش به سوی تحقق آرمان های انقلاب سترگ ثور"** فرا می‌خواندید ولی حالا قربانیان و مظلومان رژیم تان و بادران تانرا **"شهید"** **"بیگناه"** و **"معصوم"** یاد می‌کنید. نگاه کنید این تغییر ۵ درجه و ۱۰ درجه نیست این تغییر ۱۸۰ درجه است.

شما اگر یک آدم امی و بی سواد و کم سواد می‌بودید، حرفی نبود می‌گفتیم بیچاره از نادانی و بی عقلی فریب خورده بود اما شما نقش **"تاریخ نویس!!"** را تمثیل می‌کنید، شما که در زندگی شخصی و رسمی تان به این اندازه بوقلمون مزاج بوده، تغییر رنگ و ماهیت داده اید و چهره تان را در زیر ماسک **"تاریخ نگار"** پنهان نموده اید، مگر کتاب ها و نوشتجات **"تاریخی!!"** از این عیب در شخصیت شما که کذب و دروغ و ریاست، و میل به جیفه دنیا دارد، **مصون خواهند ماند؟؟**، مؤرخی که چنین عیوب شخصیتی داشته باشد، کار تاریخ نگاری آن چه ارزشی خواهد داشت؟ تأسف و افسوس به آن مخاطبان شریف و خوش باور نوشته جات شما که به آن باور کرده باشند و رویداد های مندرج آن را واقعیت های تاریخی پذیرفته باشند. رژیم نیز برای اینکه دروغ پردازی های شما را معتبر ساخته باشد به شما لقب پوشالی **"کاندید اکادمیسین"** را چسپانده است، اکادمیسی که در این عصر و زمان یک زبان خارجی را چه، که حتی طریق درست نوشتن زبان مادری خود را نیز بلد نباشد.

آقای سیستانی اسناد و اوراقی در حال جمع شدن اند که ثابت خواهد ساخت شما در جمله متهمان ارتکاب به جنایات ضد بشری در وطن ما که زمینه قانونی سازی آن اعمال (زندانی کردن ها، شکنجه نمودن ها، و کشتار ها) را فراهم می ساخته است، اسم مبارک شما هم درج شدنی می باشد.

در مورد توهین و بی حرمتی شما به نظام شاهی و سلطنت نیز باید به شما گوشزد شود و آن سلطنت را که شما در زمان قدرت بادران چهارگانه داخلی تان (تره کی - امین - ببرک - نجیب) و بادران روسی تان (رهبران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی)، دولت ارتجاعی می خواندید، و هنوز هم زبان و دهن تان را به این نوع کلمات مستهجن در باره آن سلطنت فرخنده، کثیف می سازید، پلی من و قاطبه ملت افغانستان به آن احترام و حرمت می گزاریم. سلطنتی که شما و امثال شما را از یکی از ولایات دور افتاده وطن به مکتب و از مکتب به پوهنتون برد، برای تان معاش ۵۰۰ افغانی مقرر کرد، که شما به آرامش خاطر درس بخوانید و چیزی یاد بگیرید - که نگرفتید - برای شما لیلیه ساخت که رهائش شما و امثال شما در پوهنتون به آرامش سپری شود و به شما بایسکل خرید، که پای پیاده نروید و برای شما هر سال یک جوره دریشی اهداء نمود که در بین پوهنتون به صورت فرزند "ادم" جلوه نمائید. پلی ما آن سلطنت «خدمتگار خاک و ملت افغان» را که در طول چهل سال سلطنت، هیچ یک از کشورهای حریص همسایه قدمی هم در خاک افغان ما گذاشته نتوانست و از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور امنیت سرتاسری برقرار بود و مردم شریف افغانستان آزاد و غیر وابسته در آن سرزمین با وحدت والای ملی و هموطنی، در نهایت صلح و سلم زندگی میکردند، هزاران بار بر آن جمهوریت های ۲۶ سرطان و ۷ ثور شما و بعد از آن تا امروز، جمهوریت های دست آورد شما که رهبران کشور ما توسط بیگانگان اداره میگردند، ترجیح می دهیم و قابل قدر و احترام می شماریم.

برای شناخت بهتر شخصیت شما - اگر کلمه "شخصیت" را در مورد شما استعمال کرده بتوانیم؟؟؟ - یکی از مقاله های بیشمار تان را از نشرات کابل در زمان حکمروائی جنایتکارانه شما که در روزنامه "انیس" تاریخی ۵ میزان ۱۳۵۸ هجری شمسی تحت عنوان کشال و ملال آور «خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانه دولت های ارتجاعی گذشته است بر ضد خصلت های ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت میگیرد» نشر شده بود، جنساً در برابر چشمان مردم قرار میدهم، تا ببیند و بدانند که اعظم سیستانی، کی بود؟؟؟ و این فرد ملعون و دون صفت از کدام جنس انسان های شیطان خصلت میباشد و در زندگی مرتکب چه دنائت ها و چه جنایاتی شده است. برای سهولت مطالعه خوانندگان عزیز، متن این مقاله کثیف و خائنه شما "تواریش" اعظم را تایپ نموده و در برابر چشمان همه افغانان و قضاوت شان قرار می دهم تا دوست و دشمن خود، وطن و مردم خود را بشناسند.

* * * * *

نوت: اغلاط املائی و انشایی مقاله تواریش سیستانی بیشمار است که تعدادی قلیلی از آنها با رنگ سیاه درشت نشانی شده است ولی وعده میدهم که در نوشته های بعدی همه را یکایک به صورت مشرح توضیح نمایم تا سویه پائین این مؤرخ نما را به خوانندگان از نگاه عدم احاطه او به روش نوشتاری از نگاه صرف و نحو زبان نشان داده باشم.

انیس

محمد اعظم سیستانی

5 میران 1358 شمسی

خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانه دولت های ارتجاعی گذشته است

بر ضد خصلت های ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت میگیرد

انقلاب ثور که بنا بر ضرورت تاریخی، شرايط عینی و ذهنی جامعه افغانستان (پیش آهنگ طبقه کارگر کشور) بحیث نتیجه منطقی مبارزات پانزده ساله آن به پیروزی رسید، تیز سی جدیدی را در برابر علمای جامعه شناسی علمی در زمینه طرز و شکل به پیروزی و به قدرت رسیدن حزب طراز نوین طبقه کارگر مجهز با ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر قرار داد.

روند پرتوان تکامل جوامع انسانی، قانون مندی جای گزین شدن پدیده های نو را در بطن پدیده های کهنه و زوال یابنده بمثابه یک ضرورت تاریخی حکم میکند و هیچ چیز و هیچ قدرتی نمیتواند در برابر این فرمان قاطع تکامل، سد و اقع شود.

روز هفت ثور به مثابه نقطه چرخشی عظیم تاریخی در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه ما روزی بس سترگ و تاریخی است. در این روز است که نیرو های بلقوه خلق با حرکت جهشی خود نظام پوسیده فیودالی و تاریخ زده سلطنتی را با تمام مناسبات کهنه آن از ریشه برای ابد سرنگون کرد و به جای آن برای اولین بار نظام خلقی و مردمی را به صورت اساسی، پایدار و مستقر ساخت. چنانچه میدا نیم "انقلاب اجتماعی ماهیتاً عبارت است از شیوه قانون مند حل تناقضات اجتماعی و اجرای آن چنان چرخشی در زندگی جامعه که انتقال از یک مرحله تاریخی را به مرحله عالیتر آن میسر می سازد."

به سخن دیگر **انقلاب اجتماعی** تغییر صورت بندی اجتماعی، اقتصادی و جانشین شدن صورت بندی عالیتر به جای صورت بندی کهنه و زوال یابنده است و از نظر سیاسی انتقال قدرت از دست طبقه حا کمه ارتجاعی بدست طبقه پیشرو و مترقی است.

به قول رهبر پر ولتاریای جهان: انتقال قدرت حاکمه از دست طبقه ای به دست طبقه دیگر علامت نخستین و عمده و اساسی انقلاب، هم به معنی اکیدا علمی و هم به معنی علماً سیاسی این مفهوم است."

انقلاب

مؤسس محی الدین انیس
۵ میزان سال ۱۳۵۸ شمسی

رئیس موسسه و مدیر مسئول دکتر محمد وفا کیش تیفون ۱۶۱۱۵ معاون بی: بهشتان

مژده پیروزی به خلقهایی که بخاطر آزادی می رزمند

انقلاب

خصالت سودا گری طبابت میراث خصمانه دولتهای ارتجاعی گذشته است برضد خصلتهای ارتجاعی مبارزه اصولی و پیکر صورت میگیرد

محمد اعظم سیستانی

انقلاب نور که بنا پسر ضرورت تاریخی شورا مسلط شدی و ذهنی چه محسسه انعمانسان ن به و جبری حزب دموکراتیک خلق انعمانسان ن ریشتی اهنگک طبقه کارگر کشور) به حدت نتیجه منطقی مبارزات پانزده ساله آن ن به پیروزی رسید، نیز سس جدیدی را در برابر عسای ن جا همه شناسی علمی در زمینه طرز و شکل به پیروزی و به قدرت رسیدن حزب طرا ن ن نوین طبقه کارگر میگزین با اید پالو ن ی دوران س ن طبقه کارگر فراد داد .

روند پر نوان ن تکامل جوامع انسانی، قانون مندی جا ی کزین شده به یهیه جنبای نو را در بلش پدیه های کهنه و زوال یابنده . بنیاد به یک ضرورت تاریخی حکم میکند هیچ چیز و هیچ قدر نسی گهتبه و زوال یابنده است و از نظر سیاسی انتقال قدرت از دست طبقه حا که ارتجاعی به دست طبقه پیشرو و مترقی است.

به قول رهبر پر ولتاریای جهان: « انتقال قدرت حاکمه از دست طبقه بدست طبقه دیگر علامت نخستین و عمده و اساسی انقلاب، هم به معنی اکیدا علمی و هم به معنی علماً سیاسی این مفهوم است."

1- اصطلاح "دیموکراسی" از زبان های لاتین در زبان های پشتو و دری و فارسی و غیره زبان های زمین آمده است و در لسان فرانسوی و همه کشورهای فرانسوی زبان چنین نوشته میشود: (démocratie) و در لسان انگلیسی و همه ممالک انگلیسی زبان چنین تحریر میشود: (democracy) و هر دو طرز نوشتاری همان آهنگ واحد (دیموکراسی) را دارد. در آغاز ظهور گروه «توده» در ایران این کلمه را از زبان فرانسوی گرفتند و مانند صد ها کلمه دیگر غلط تلفظ کردند و غلط نوشتند و از همان جا وابستگان گروه های چپ خلق و پرچم و شعله و متباقی گروه های ضال در افغانستان آنرا از ایرانی ها شنیدند و گرفتند و تا امروز غلط می نویسند ولی درست تلفظ میکنند. عین پروبلیم را با کلمه (دیموکراتیک) دارند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با نگرش واقع بینانه و شناخت همه جانبه جامعه ما موازی با روند نیرومند تکامل اجتماعی جوامع در کوتاه زمانی، اقدامات سودمند و ارتقایی در جهت نجات خلق های محروم از چنگال بیرحمانه ظلم و ستم و بی عدالتی اجتماعی و مبارزه با مرض بیسوادی و فساد اجتماعی انجام داده که تاثیر آنرا در تمام گوشه ها و زوایای حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میتوان به آسانی دید و لمس کرد توجه عاجل دولت به **کانکور زندگان رژیم منفور داودی** رسیدگی فوری دولت به حال کارمندان دولتی با متلاشی کردن مرز های نا برابری اجتماعی از ناحیه ماکولات و کوپون کارگران و اجیران با مامورین، ارج نهادن به فرهنگ و زبان و هنر خلق ما و **ملیت های کشور^۲** از طریق نشرات رادیو و جراید و همچنان بررسی احوال محبوسین و به آتش کشاندن خر من ها دوسیه های متهمین و رهایی هزاران زندانی بلا کشیده **زمان ظاهرشاهی و داوود شاهی**، الغای مناسبات خصمانه گروهی و سود خوری با صدور فرمان شماره ششم که منجر به رهایی یازده میلیون دهقان مظلوم از چنگال ظلم گروهی داران و سود خواران گردید با اعلام فرمان شماره هفتم کاخ بی بنیاد مناسبات ظالمانه و **بیرحمانه** دوران پدرسالاری از هم فرو پاشید و در اثر آن هزاران طفل معصوم از فروختن قبل از رسیدن به سن شانزده سالگی نجات داده شدند. فرمان دوران ساز شماره هشتم در مورد اصلاحات دموکراتیک ارضی بخاطر محو کامل مناسبات کهنه و تاریخ زده **فیو دالی** و **ماقبل فیو دالی** چون گرز تاریخ بر فرق فیو دالیزم در کشور چنان بشدت **کو بیده** شد که کاخ جبروت چندین هزار ساله آن از بنیاد واژگون گشت.

پایان بخش اول (ادامه دارد)

انیس

7 میران 1358 شمسی

اعظم سیستانی

خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانه دولت های ارتجاعی گذشته است.....

این ها و ده ها اقدام مهم انقلابی دیگر را میتوان مثال زد که هر کدام آن نشانه بارز و موثری از **تحقق آرمان های انقلاب ثور** است. این اقدامات هر یک موجد پیوند های عمیق اجتماعی و دموکراتیک بین توده های خلق و دولت خلقی گردید و روز بروز رشته های همبستگی و اعتماد زحمت کشان و دولت خلقی شان محکم تر شده می رود. و همچنان در جهت **تامین خدمات صحی رایگان خاتمه دادن به سوداگری های ضد اجتماعی در امور صحی و مبارزه علیه بیماری گونه گون و بسط و توسعه طب وقایوی و معالجوی گامهای سودمندی برداشته شد.** توجه و دقت در این بخش یک بار دیگر وجدان طبابت را در کشور تکان میدهد و به عناصر وطن پرست و شریف هوشدار میدهد که بر علیه سوداگری های ضد اجتماعی در امور صحی مبارزه بی امان خود را آغاز کند. آیا لازم

۳- من بار ها نوشته ام که برای بار نخست تفرقه اندازی و متفرق سازی مردم افغانستان (با به اصطلاح رفیق سیستانی «خلق» افغانستان) در کشور توسط رهبران دنی و خائن خلق و پرچم آغاز گردید. این یکی از آرزو های بسیار جدی رهبران اتحاد شوروی جهان خوار بود که برای تسلط بهتر و کنترل بیشتر و کاملتر کشور ما و ممکن دخول بی مشکل آن در حلقه جمهورییت های اقمار شان بعد از دگرگونی کودتای ثور به کمک و فرمانبرداری نوکران خلق و پرچم شان نام و هویت همه اقوام و تبارهای شریف و نجیب افغانستان را به ملیت ها تبدیل کردند تا ملیت یگانه مملکت افغانستان را که (افغان) بود از بین ببرند و مانند دیگر جمهورییت های اقمار شوروی، ملت افغانستان را نیز به ملیت های جمهوری افغانستان در بطن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به جهان معرفی کنند. به همین مناسبت بود که خلقی ها و پرچمی ها تحت هدایت و امر بادران شان وزارت سرحدات افغانستان که از چهار دهه قبل از زمان اعلیحضرت محمد نادرشاه در کابینه افغانستان عرض وجود نموده بود لغو نموده و به وزارت (ملیت ها) موسوم ساختند، که نتایج منفی آنرا تا امروز به چشم سر می بینیم که ملت متحد و یک مشت افغان زیر این جنایت مشهود می سوزند و می سازند.

نیست بر علیه طبیبی که از پول بیوه و از پول یتیم و معصوم محروم از لطف پدری در فضای همین کشور و با آب و هوای همین خاک، به خاطر خدمت به توده های محروم و رنج دیده درس خوانده، و علم فرا گرفته باشد و امروز باز هم این اندوخته خود را با اشک و خون دل هموطنش معاوضه کند و از خدمت مجانی برای توده های رنج دیده پهلو تهی کند، مبارزه شود.

آیا بجا نیست علیه طبیبی که پیش از دیدن جسم مریض چشمش را به جیب مریض دوخته است و علیه طبیبی که زخم خاری را برای مریض بدبختش باصطلاح زخم ناسور جلوه می دهد و آنرا چشمه پول و سوداگری طبابت برای خود می سازد و علیه طبیبی که از تشوشات روحی مریضش بحد ممکن سوء استفاده بجوید و با خراشیدن پوست بدن مریض در اتاق تاریک معاینه خانه اش (به عنوان عملیات) پول گزاف بدست آورد، یا بر علیه طبیبی که از وارخطایی به خاطر تحصیل پول سه چهار مریض را یکی بعد دیگری روی میزش می خواباند و سپس صرف نام های روی نسخه نوشته شدگی اش ثبت میکند و هیچ کدام از مریضان اش را بدقت معاینه نمی کند، آیا نباید علیه این چنین طبیبان سوداگر و پول پرست مبارزه بی امان به راه افتد؟ و آیا نباید این چنین اشخاص در محاکمه خلق و تاریخ خلق رسوا و بد نام گردند.

این کار مطابق به اهداف انقلابی و وظیفه فرد فرد از فرزندان صدیق و انقلابی کشور است که باید با سوداگری های ضد اجتماعی در امور صحی سر سخت مبارزه کنند.

می باید آنها را وادار به انجام خدمات مجانی طبی در محدوده تخصص و رشته شان نمود.

می باید وجدان خلقی را درین عده اشخاص بیدار کرد. باید به مردم فهماند طبیباتیکه از منافع شخصی شان بخاطر ساختن یک جامعه سالم و صحت مند و رفاه توده های وسیع زحمتکش در میگذرنند در واقع از درد خلق با خبر بوده و بخاطر خلق زحمتکش ایثار و فداکاری می نمایند.

وزارت صحت عامه آنرا طرح و تصویب نموده است که این اقدام بزرگی است بر ضد سوداگری های اجتماعی در امور صحی کشور. باید به مردم فهماند که دولت خلقی شان جز آرامی و سعادت خلق دیگر هدفی ندارد. یکی از اقدامات مفید دیگر دولت خلقی ما برای فراهم آوردن هر چه بیشتر تسهیلات در ساحه عرضه خدمات صحی به خلق های زحمتکش کشور در عمل پیاده کردن لایحه جدید پرکتس شخصی طبی (در معاینه خانه های شخصی و ولادت های خانگی) است که اخیراً دولت خلقی ما عقیده دارد که پیشرفت سریع و سالم وقتی نصیب کشور میشود که دامن مرض از میان توده های زحمتکش برچیده شود. از میان اطفال و مادران و دهقانان و کارگران و پیشه وران مرض به کلی نابود گردد. کارگریکه سالم باشد دهقانی که صحتش از مرض عاری باشد مادری که کودکش در آتش درد و مریضی نسوزد و ظایفش را بهتر انجام میدهد و زودتر پسر میرساند و بدین سان پلان ها و پروگرام های انکشافی و خلقی کشور مطابق به پیشبینی های مطروحه بهتر امکان تطبیق و تحقیق پیدا میکند. فقط کار موجد ارزش است و این کار وقتی انجام گرفته میتواند که نیروی کار یعنی کارگر و دهقان و پیشه ور و تمام زحمتکشان ما افراد سالم باشد تا بتوانند نعمات مادی قابل استعمال تولید کنند. پس برای بیار آوردن یک چنین جامعه سالم نیرومند باید همگی با دولت خلقی خود صادقانه همکاری کنیم. طبابت را از خدمت اقلیت محدود و مفت خوار که زاده مناسبات کهنه فیودالی در کشور است، بدر آوریم و در خدمت توده های زحمتکشان ملیونی که موجد ارزش های مادی اند بگماریم. بایستی راههای سالم و مفید را جستجو کنیم تا دولت بهتر بتواند در تحقق این ارمان سترگ توفیق یابد.

خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانه طبقات دولت های مستبد و ارتجاعی گذشته است باید بر ضد خصلت های ارتجاعی و ضد خلقی مبارزه پیگیر و اصولی به راه اندخته شود و تا سرحد نابودی آن ادامه پیدا کند.

خصلت سودا گری طبابت میراث خصمانه ی دولت های ارتجاعی گذشته است

بر ضد خصلتهای ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت میگیرد

این ما و ده ها اقدام مهم انقلابی دیگری را میتوان مثال زد که هر کدام آن نشانه بارز و موتوری از تحقق آرمان های انقلاب نور است. این اقدامات هر یک موچند پیوند های عینی اجتماع عسلی و دموکراتیک بین مردم های خلق و دولت خلقی گردید و روز بروز رشته های همبستگی و اتحاد زحمت کشان و دولت خلقی شان محکم تر شد و عسلی رود و همچنان در چیست تا این خد مات صحنی رایگان خانه دانه به سودا گسری های ضد اجتماعي در امور صحنی و مبارزه علیه یماری های گو نه گو ن وسط و توسعه طب و قایوی و معالجوی گامهای سود مندی بر داشته شد.

آنچه در دقت در این بخش یک بار دیگر و جهان طبابت را در کشور تکان میدهد و به عین صراحت و شریف هو شدا ر میده عد که بر علیه سودا گری های ضد اجتماعي خاطر تحصیل پول سه چهارم عریض را یکی بعد دیگری امان خود را آقا ز کشته. آیا لازم نیست بر علیه طبیبی که از پول بیوه و از پول تنیم و مصوم محروم از لطف پدری در نقض ای همین کشور و با آبر هو ای همین خاک، به خاطر خدمت به توده های

مخروم و رنج دیده در مس خوانده و علم فرا گرفته باشد و امروز با هر آیین آندو خه خود را با فاشک و خون دل منو خشن بخواد عد معاوضه کند و از خدمت مجانی برای توده های رنج دیده و پهلوتی کنسمازوه شود.

آیا بجا نیست علیه طبیبی که پیش از دیدن جسم مریض چشمش را به جیب مریض دوخته است و علیه طبیبی که زخو خاری و ایرای مریض بد بخشش باصطلاح و زخم نامور و چاره مید عد و آترا چشمه پول وسر دا گری طبیبی است پس ای خود عسلی سازد و علیه طبیبی که از تشو مات در حق مریضش بعهد منکن سوء استفا ده و بچو دی و با غر خشیستن پوریت بدن مریض در آنا ق تاریخ معاینه خانه اشرا به عنوان عملیات (پول کراف بعدست آورد) یا بر علیه طبیبی که از وار شای به خاطر تحصیل پول سه چهارم عریض را یکی بعد دیگری امان خود را آقا ز کشته. آیا لازم نیست بر علیه طبیبی که از پول بیوه و از پول تنیم و مصوم محروم از لطف پدری در نقض ای همین کشور و با آبر هو ای همین خاک، به خاطر خدمت به توده های

علیه این چنین طبیبان سودا گری و پول پرست مبارزه به بی امان به راه افتد ؟ آیا نباید این چنین اشخاصی در محاکمه خلق و تاریخ خلق رسوا و بد نام گردند.

این کار مطابق به اهداف انقلابی و طبقه فرود فرد از فرزندان ضد بقی و انقلابی کشور است که باید با سودا گری های ضد اجتماعي و د اور صحنی خلقی ما عقیده دارد که پیشرفت سریع ما در وقتی نصیب کشور میشود که دا من مریض از میسان توده های زحمتکش برجیده شود. از میان افکار لودودان و دهقانان و کارگران و پیشفت ورا ن مریض به کلی ناپود کرد. کارگری که سالهاست در دانی که صحتش از عسلی عاری باشد. ما دردی که کوه کس در آتش درد و مریضی نسوزد و ظا بخش را بهتر انجام میدهد و زود تر پسر میرساند و بد پسن سا ن پلان ها و پرو گرام های انکسانی و خلقی کشور مطابق به پیشبینی های مطروح بهتر امکان تطبیق و تحقق پیدا میکند.

قط کار مو چه از زحمتش و استقامت و این کار و قی انجام گرفته میتوانه که نیروی کار یعنی کارگر و دهقان و پیشفت وور و تمام زحمتکشان

ما افرادی سالم یا شند تا بتوانند نمیا تا ما در قی قابل استعنا ل تو لید گشته پسین برای بیار آوردن یک چنین جامعه ای سالم نیرو مند، باید همگی یا دولت خلقی خود صا دقا نه حکما ر یکتم طبقه را از خدمت اقلیت محسد و دقتت خسو او که زا ده مناسبات کینه نظر فیو دالی در کشور است. بعد ازیم و در خدمت تو ده های زحمتکش میلیونی کاه و جند ارزش های ما ای اند بکاریم پایستی را ه های ما لسم و مفید را چستجو کنیم تا دولت پسر بتواند در تحقق ایسین آز مان سترگ تو قیق یابد.

خصلت سودا گری طبابت میراث خصمانه نه طبابت عسلی گذشته است باید بر ضد خصلت های ارتجاعی و ضد خلقی مبارزه پیگیر و اصولی براه انداخته شود و تا سرحد نابودی آن ادامه پیدا کند.

باید خاطر همبستگی کامل زحمتکشان و از میان بردن نابرابری های اجتماعی که از طرف دشمنان خلق و استثمار گران برای سوار شدن بر خلق ما تحمیل شده مبارزه کرد و نگذاشت نوکران ارتجاع، پول پرستان خود خواه و فیودالان غاصب و سوداگران کمپرادور در وحدت همبستگی خلقهای زحمتکش درز ایجاد کنند و از راه اندوختن دارایی غیر مجاز طبقه ممتاز و جدا از خلق ایجاد نمایند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه دارد تا برای ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد و جامعه که در مرحله اول از هرکس بقدر استعدادش و به هرکس بقدر کارش مدنظر است، صفوف زحمتکشان را با وحدت دهقانان و کارگران و پیشه وران کم پایه بهم نزدیک و فشرده تر سازد و این ضرورت مبرم را از راه کوپراتیف ها که در آنجا میتوان منافع شخصی دهقانان و خورده مالکان کم پایه را با مصالح علیای کشور و تمام جامعه تلفیق داد، بر آورده گرداند.

به پیش در راه تحقق آرمان های سترگ انقلاب نور.

به پیش در راه ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد.

الیس

رئیس موسسه و مدیر مسئول
در نهج و فاکش تیلیفون ۱۶۱۱۵
معاون ایکی آریستان

استقبال از اعلامیه دولت خلقی ما

استقبال بر پشور خلق سراسر کشور از اعلامیه تاریخی سوز پاک منبسط جینوری دموکراتیک ما گراه روشنی از همبستگی صمیمانه و خلل ناپذیر خلق ما با دولت خلقی شان میا کشته. مبارز احساسات و وطن پرستان و بی آرایش گروه های وسیع کار گسرا ن، دهقانان، کار مندان و روشنفکران جامعه ما جهت سیم گیری و فعال و مستقیم آنا زدر تطبیق پیروز مندا کشته بر نا مه های عرو ن و نسوزاری و تحقق اسفاد ا و لای انقلاب کیرو شوکو همنه گور، این جلیت را روشن میسازد که جسیبوری دموکراتیک افغانستان در اصاق توده ها و در قلوب زحمتکشان این سر زمین جا دارد و پایگاه های اجتماعی و خلقی آن نیرو مند، استوار و و خلی ناپذیر است.

اگر چه دشمنان انقلاب بودشمنان آزا دی میین برای آنکه مواضعی در راه تکامل سریع انقلاب کیرو نور بیه وجود آورد و باشند، دست سبورگو نه تو طله و دروغ باقی میزنند، حتی از مداخله های مستقیم و پیشرو مانه در امور داخلی کشور ما خود داری نیکند، اما با گذشت هر روز و با حصول هر پیروزی تازه که در اثر ایلیسی علما تنظیم شده و دو لست خلقی ما به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستا ن نیست می آید، برده آزادی مناسبتی و تیر گلبگی یا ارتجاعیون و امیر یا لست

باید بخاطر همبستگی کامل زحمتکشان و از میان بردن نابرابری های اجتماعی که از طرف دشمنان خلق و استثمارگران برای سوار شدن بر خلق ما تحمیل شده مبارزه کرد و نگذاشت نوکران ارتجاع، پول پرستان خود خواه و فیودالان غاصب و سوداگران کمپرادور در وحدت همبستگی خلقهای زحمتکش درز ایجاد کنند و از راه اندوختن دارایی غیر مجاز طبقه ممتاز و جدا از خلق ایجاد نمایند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه دارد تا برای ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد و جامعه که در مرحله اول از هرکس بقدر استعدادش و به هرکس بقدر کارش مدنظر است، صفوف زحمتکشان را با وحدت دهقانان و کارگران و پیشه وران کم پایه بهم نزدیک و فشرده تر سازد و این ضرورت مبرم را از راه کوپراتیف ها که در آنجا میتوان منافع شخصی دهقانان و خورده مالکان کم پایه را با مصالح علیای کشور و تمام جامعه تلفیق داد، بر آورده گرداند.

به پیش در راه تحقق آرمان های سترگ انقلاب نور.

به پیش در راه ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد.

خصلت سوداگری ...

از راه تاسیس کوپرا تیف
ها که در آنجا میتوان منافع
شخصی دهقانان و خورده
مالکان کم پایه را با مصالح
علیای کشور و تمام جامعه
تلفیق داد، بر آورده گرداند.
به پیشی در راه تحقق
آرمان های مترسک انقلاب
شود
به پیشی در راه ساختن
جامعه فارغ از استثمار
فرد از فرد

فرد از فرد و جامعه که
در مرحله اول از هر کس
بقدر استعدادش و به هر
کس به قدر کارش مدنظر
است، صفوف زحمتکش
را با وحدت دهقانان
و کارگران و پیشه واران کم
پایه بهم نزدیک و فشرده تر
سازد و این ضرورت میرم را

از ایشان در طی نیم قرن
سلطنت شوم خاندان نادری
بر خلق نجیب ما تحمیل
شده مبارزه کرد و گذشت
تو گران از تجار، پول
پزستان خود خواه و فیودالان
غاصب و سوداگران
کمپرا دور در وحدت و
همبستگی خلق های زحمتکش
درز ایجاد کنند و از راه
اندوختن دارایی غیر مجاز
طبقه ممتاز و جدا از خلق
ایجاد نمایند. حـزب
دموکراتیک خلق افغانستان
وظیفه دارد تا برای ساختمان
جامعه فارغ از استثمار

بقیه می ۲

پایان دیکتاتوریه ...

اندازی های وحشیانه قوای
سمو را جان سپردند،
بیست و سه هزار خانه ویران
گردید و نود درصد وسایل

موقتی منتشر گردیده است
سی هزار نفر غیر نظامی در
جریان بمبارد مان و تسیر

ایجاد نمایند. حـزب
دموکراتیک خلق افغانستان
وظیفه دارد تا برای ساختمان
جامعه فارغ از استثمار

توقع می رود که خوانندگان واقع بین و منصف متن هر دو بخش مقاله اعظم سیستانی این تاریخ نگار دروغین را
همراه با تبصره و معرفی مستند آن مطالعه و حقیقت سیمای این جناب را دریافته باشند.

پایان

۲۰۱۶/۰۵/۱۵

یادداشت:

به علاوه احترام عمیق ما به آقای "ولی احمد نوری"، از آنجائی که محتوای مقاله ایشان نقد عملکرد خابانیه و
جنایتکارانه "اعظم سیستانی" است و می تواند به مثابه نقطه آغاز یک بحث روشنگرانه تاریخی بین ایشان و فرد
نامبرده قرار گیرد، پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" آگاهانه از ویراستاری مقاله خودداری نموده، مطلب را به
همان شکلی که فرستاده شده بود، منتشر نمود.

اداره پورتال AA-AA